

ڪتابِ دانيال — نمبر ايڪ سو

توثيق به وسيله ايمان: تحليلي تاريخي از ارتداد در پروتستانتيسم

Jeff Pippenger

2024-02-29

1888ء کی سرکشی کے دوران ایلڈرز جونز اور ويگنر کے ذریعے لایا گیا پیغام، درحقیقت ایمان کے وسیلہ سے راستباز ٹھہرائے جانے کا پیغام تھا۔ مرتد پروٹسٹنٹیت پہ استدلال کرتی ہے کہ صلیب پر مسیح کی موت کے ذریعے فراہم کی گئی راستبازی ایک انسان کو اُس کے گناہوں سمیت ڈھانپ لیتی ہے، لیکن اُس کا خون حقیقتاً اُس کے گناہوں کو دور نہیں کرتا۔ یہ جھوٹا عقیدہ گناہ کے ازالہ کو دوسرے آنے کے وقت تک مؤخر کر دیتا ہے، جب گنہگار پھر جادوئی طور پر تبدیل کر دیے جاتے ہیں۔ مرتد پروٹسٹنٹیت، اور 1957 سے سرکاری طور پر لاوڈیکیائی ایڈونٹزم، یہ دعویٰ کرتے ہیں کہ مسیح صرف اور صرف ہمارا قائم مقام ہے، لیکن ہمارا نمونہ نہیں۔ 1888 سے ایک سال پہلے، سسٹر وائٹ نے درج ذیل تحریر فرمایا۔

osun pa yexê û ruhêk nû bixe nav we de.” Ez bi hemû dilê xwe bawer im guncawkirin”
ku Ruhê Xwedê ji cîhanê tê vekişandin, û ewên ku ronahiyek mezin û derfetên mezin hebûn û wan baş bi kar neanîn, dê yekemîn bin ku bèn hiştin. Wan Ruhê Xwedê xemgîn kir û ji xwe dûr xistin. Çalakiya niha ya Şeytan di xebata wî de li ser dilan, û li ser dêr û neteweyan, divê her xwendekarê pêxemberiyê bi tirs bixe. Dawî nêzîk e. Bila dêrên me rabin. Bila hêza veguherîner a Xwedê di dilê endamên takekesî de bê ezmûnkirin, û wê hingê em ê tevgera kûr a Ruhê Xwedê bibînin. Tenê bexşîna guneh ne encama yekane ya mirina Îsa ye. Wî fedayiya bêdawî ne tenê ji bo ku guneh were rakirin kir, lê jî ji bo ku tabîeta mirovî were veğerandin, ji nû ve bibe bedew, ji xwêliyên xwe were avakirinê, û ji bo amadebûna li ber hebûna Xwedê were guncawkirin”»

»مسیح همان نردبانی است که یعقوب دید؛ نردبانی که پایه‌اش بر زمین قرار داشت و بالاترین پله‌اش به اعلیٰ آسمان‌ها می‌رسید. این، طریق مقرر نجات را نشان می‌دهد. ما باید پله‌به‌پله از این نردبان بالا رویم. اگر سرانجام هر یک از ما نجات یابد، این نجات از آن رو خواهد بود که همچون پله‌های نردبان، به عیسی چنگ زده است. مسیح برای ایماندار، حکمت و عدالت و تقدیس و فدیہ ساخته شده است....»

”انھن مان، جيڪي سمجھن ٿا ته هو سچائي سبب مضبوط بيٺل آهن، ڪي اهڙا به هوندا جيڪي ڏاڍين خوفناڪ لغزشن ۾ ڪري پوندا؛ پر انهن وٽ اها سچائي اهڙي نه آهي جيئن اها يسوع ۾ آهي. هڪ گهڙيءَ جي بيخبري ڪنهن جان کي اهڙي تباهيءَ ۾ اچائي سگهي ٿي، جنهن جي تلافي هرگز نٿي ٿي سگهي. هڪ گناهه ٻئي ڏانهن وٺي وڃي ٿو، ۽ ٻيو ٽئين لاءِ رستو هموار ڪري ٿو، ۽ ائين ئي اڳتي. اسان کي، خدا جا وفادار پيغامبر ٿي، هن سان لڳاتار التجا ڪرڻ گهرجي ته اسين سندس قدرت وسيلي محفوظ رکيا وڃون. جيڪڏهن اسين فرض کان هڪ انچ به هٽي وڃون ته اسان کي ان خطري ۾ پئجي وڃڻ جو انديشو آهي ته اسين گناهه جي اهڙي راهه تي هلندا وڃون، جيڪا آخرڪار هلاڪت تي پڄاڻي ڪري ٿي. اسان مان هر هڪ لاءِ اميد آهي، پر فقط هڪ ئي راهه ۾—مسيح سان پاڻ کي مضبوط ٻڌي ڇڏڻ ۾، ۽ سندس سيرت جي ڪمال تائين پهچڻ لاءِ هر قوت ڪم ۾ آڻڻ ۾.“

ही पर प्रेम के परमेश्वर प्रत के पापी नरितर जो और है ठहराता हलका को पाप जो, धर्म सा-सदाचारी यह”
भी समय उस उसे परमेश्वर कहै करता प्रोत्साहति लिए के करने वशिवास यह को पापी, है रहता लगाए मन

لोग سے-بहुत जसिमें है रीतविह यही है। पाप वह कहै जानता वह और है रहता बना में पाप वह जब लेगा बचा जाता रखा अलग से जीवन उनके को सत्य है। करते दावा का करने वशिवास पर सत्य वर्तमान जो है रहे चल होती। नहीं अधकि शक्ति की करने परिवर्तति और ठहराने दोषी को आत्मा उसमें कहै कारण यही और, है और आत्मा, स्नायु हर लपे के छोड़ने को फैशनो उसके और प्रथाओं उसकी, रविजो-रीत उसकी, संसार"है आवश्यक लगाना जोर पूरा का मांसपेशी

«اگر گناه را کنار بگذارید و ایمان زنده را به کار ببندید، غنای برکات آسمان از آن شما خواهد بود.»
Selected Messages، جلد ۳، ۱۵۵.

مذهب کاذب «خوش اخلاق خوش نما»ی پروتستانتیسم مرتد، در آغاز نسل چهارم ادونتیسیم، در سال ۱۹۵۷، به عنوان آموزه ای رسمی برقرار گردید. این مذهب، تعریفی از تبرئه ارائه کرد که «گناهکار را تشویق می کند که باور کند خدا او را نجات خواهد داد، در حالی که او همچنان در گناه ادامه می دهد.» صلیب تعلیم می دهد که «آمرزش گناه تنها نتیجه مرگ عیسی نیست»، زیرا «او آن قربانی بی نهایت را تقدیم کرد، نه فقط تا گناه از میان برداشته شود، بلکه تا طبیعت انسانی بازگردانیده، دوباره زیبا ساخته، از ویرانه هایش بازسازی گردد، و برای حضور خدا شایسته ساخته شود.»

شورش سال ۱۹۵۷ نشان می دهد که بذر آن شورشی که در ۱۸۶۳ کاشته شد، و سپس در ۱۸۸۸ جوانه زد، و پس از آن به وسیله پیام جعلی ممثل در کتاب منتشر شده در ۱۹۱۹ (تعلیم مسیح) آبیاری گردید، سرانجام ثمره خود را در قالب اعلامی آشکار به بار آورد؛ بدین معنا که «ایمان عادلان» اصلی که به وسیله دو لوح حقوق نمایانده شده بود، اکنون برداشته شده و با تعریف فاسد «عادل شمردگی به وسیله ایمان» که در پروتستانتیسم مرتد وجود دارد، جایگزین شده است. آن نبی نافرمان از یهودا، به جماعت استهزاکنندگان بازگشته و با نبی دروغین بیتئیل هم غذا شده بود.

پیامی که به کلیسای لائودیکیه داده شد و نخست در سال ۱۸۵۶ به جنبش میلری ها عرضه گردید، و سپس بار دیگر در سال ۱۸۸۸ به کلیسای لائودیکیه ارائه شد، در هر مرحله مردود شمرده شد. آن پیام جونز و واگنر، که بنا به گفته خواهر وایت هم پیام لائودیکیه بود و هم پیام عادل شمردگی به وسیله ایمان، بر این اساس رد شد که یاغیانی که آن را رد می کردند، در واقع از نشانه های کهن دفاع می کنند! نشانه هایی که ایشان از آن دفاع می کردند، بنیادی بود از ساخته خود انسان ایشان، که بر شن بنا شده است.

پیام «ایمان کے وسیله سے راست بازی»، جو ۱۸۸۸ میں جونز اور ویگنر نے پیش کیا، انجیل حقیقی کے اس حقیقت پر مشتمل تھا کہ جو راست ٹھہرائے جاتے ہیں، وہ مقدس بھی کیے جاتے ہیں۔ اس نے اس بات پر زور دیا کہ راست ٹھہرایا جانا یہ ہے کہ انسان کو «حقیقتاً» مقدس بنایا جائے، نہ کہ محض قانونی طور پر مقدس «قرار» دیا جائے۔ جونز اور ویگنر کا یہ پیغام، جسے سسٹر وائٹ نے بیان کیا کہ وہ ۱۸۸۸ کی بغاوت سے کئی برس پہلے سے پیش کرتی آ رہی تھیں، اس امر کی نشان دہی کرتا ہے کہ جب راست بازی محسوب کی جاتی ہے، تو تقدیس بھی بیک وقت عطا کی جاتی ہے۔

چنین نمی تواند بود، زیرا هم توجیه و هم تقدیس به واسطه حضور روح القدس در مؤمن تحقق می یابد. توجیه و تقدیس صرفاً دو واژه اند که دو بعد یک عمل را توصیف می کنند؛ عملی که به واسطه حضور روح القدس در درون مؤمن به انجام می رسد.

همان پیامی که یاغیان قورح آن را رد کردند، بار دیگر در سال ۱۸۵۶ رد شد، سپس دوباره در ۱۸۸۸، و آنگاه در ۱۹۵۷ به صورت علنی به عنوان الهیات نجات ادونتیسیم لائودیکیه ای رسمیت یافت. این عصیان پیوسته خدا را به ستوه آورد، زیرا قوم گفتند: «هر که بدی می کند در نظر خداوند نیکوست، و او از ایشان خشنود است»؛ یا: «خدای داوری کجاست؟»

گفتند: «آنان که در گناه به سر می‌برند، به خون مسیح عادل شمرده شده‌اند، و خدا از ایشان خوشنود است، هرچند همچنان به گناه ادامه می‌دهند.» این همان فریب روحانی است که در پیام به لاودکیه (قومی داوری شده) به تصویر کشیده شده است؛ زیرا با وجود آن که مسیح لاودکیان را «شقی، و مسکین، و فقیر، و کور، و عریان» معرفی می‌کند، آنان بر این باورند که «دولتمند، و توانگر شده‌ام، و به هیچ چیز محتاج نیستم.» و در همان حالت، در واقع بر آستانه آن‌اند که از دهان خداوند بیرون افکنده شوند.

وفاداران تاریخ میلری که در سال ۱۸۴۴ تجربه نخستین نومییدی را پشت سر نهاده و در آن پایدار مانده بودند—چنان که ارمیا در باب پانزدهم، آیات پانزده تا بیست و یک، آنان را همچون بنایان امین هیکل تصویر می‌کند، که به ایشان وعده داده شده بود اگر به «مجمع استهزاکنندگان» بازنگردند، «دهان» خدا خواهند شد—به «مجمع استهزاکنندگان» بازگشتند (که با نبی دروغین بیت‌ئیل نمود یافته است) و به لائودیکیان مبدل شدند، بر آستانه آن که از دهان خدا بیرون افکنده شوند، و خود از آن آگاه نیستند.

حالت آدونتیسم لائودیکیه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به وسیله حالت پروتستان‌ها در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه‌سازی شده بود. آن دو تاریخ نیز به وسیله یهودیان خرده‌گیر، هنگامی که روح‌القدس در تعمید مسیح نازل شد، نمونه‌سازی گردید. در هر یک از این سه تاریخ، قومی که پیش‌تر برگزیده بودند، مورد عبور قرار گرفتند و اکنون نیز در حال کنار گذاشته شدن هستند. رسول عهد در زمان یحیی تعمیددهنده، می‌بایست با کسانی که پطرس ایشان را «نسل برگزیده» نامید، وارد عهد شود.

اما شما نسلی برگزیده، کهناتی پادشاهانه، امتی مقدس، و قومی خاص هستید، تا فضایل آن کسی را اعلام نمایید که شما را از ظلمت به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است؛ شما که در زمان گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛ شما که رحمتی نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. اول پطرس ۹:۱۰

پطرس قوم برگزیده جدید دوران خود را مشخص می‌کرد، که در آن زمان کلیسای مسیحی بود. آنان در دوره‌ای به عنوان «نسل برگزیده» انتخاب شده بودند که طی آن، مسیح و یحیی تعمیددهنده هر دو قوم برگزیده پیشین را «نسل افعیان» معرفی کردند.

اے سانپوں کے بچو، تم بدکار ہو کر بھلا کیسے اچھی باتیں کہہ سکتے ہو؟ کیونکہ جو دل میں بھرا ہوتا ہے، وہی منہ سے نکلتا ہے۔ متی 12:34

نسلی که از آن گذشته می‌شود، «نسل افعیان» است؛ و این نمادی از شیطان است—خرنده نبوت کتاب مقدس. آن نسلی که از آن گذشته می‌شود، پیمانه زمان آزمایشی خود را پر کرده بود، و در طی چهار نسل در خصلت افعی استقرار یافته بود. آنان پیشانی فاحشه را پروراندند. از همین روست که آن بیست و پنج پیرمرد در باب هشتم حزقیال، حاضرند در برابر خورشید سجده کنند. آنان خصلت پاپیت را پدید آورده بودند.

«پیام فرشته سوم به جهان فرستاده شده است تا انسان‌ها را هشدار دهد که نشان وحش یا تصویر او را بر پیشانی‌های خود یا بر دست‌های خود نپذیرند. دریافت این نشان به این معناست که شخص به همان تصمیمی برسد که وحش گرفته است، و همان اندیشه‌ها را در مخالفتی مستقیم با کلام خدا تأیید و تبلیغ کند.» 13 Review and Herald، ژوئیه 1897.

نشان وحش، نشان مرد گناه است، که همان پاپ روم و نماینده زمینی شیطان می‌باشد. هم‌فکر شدن با وحش، به معنای هم‌فکر شدن با شیطان است، که به صورت افعی نمادپردازی شده است.

«برای به دست آوردن منافع و افتخارات دنیوی، کلیسا برانگیخته شد تا التفات و پشتیبانی بزرگان زمین را بطلبد؛ و بدین‌سان، چون مسیح را رد کرده بود، به این کشانده شد که وفاداری خود را به

نماینده شیطان—اسقف روم—تسلیم کند.» نبرد عظیم، 50.

در آخرین نسل قومی که پیش‌تر برگزیده شده بودند، سیرت ایشان بازتاب سیرت شیطان است. «نسل برگزیده» که در زمان‌های گذشته قوم خدا نبودند، از طریق فرایندی از آزمون، پالایش و تطهیر برگزیده می‌شوند. آنان که از فرایند آزمون سربلند بیرون می‌آیند، برگزیده می‌شوند تا در رابطه‌ای عهدی با خدا باشند. خداوند با کلیسای مسیحی داخل عهد شد، سپس بار دیگر با ادونتیسیم میلری، و بار دیگر نیز چنین می‌کند با صد و چهل و چهار هزار.

.When the Lord enters into covenant with the newly chosen people of God (who in times past were not the people of God), He comes to them as the Messenger of the Covenant. In each of the three histories that fulfill Malachi chapter three, there is a messenger who prepares the way for the Messenger of the Covenant. The first messenger was John the Baptist, who typified the second and third messenger. The second messenger was William Miller. Together the prophetic characteristics of John the Baptist and William Miller establish the characteristics of the messenger who prepares the way for the Messenger of the Covenant to come and enter into covenant with the one hundred and forty-four thousand

سه پیام‌آوری که راه را برای مسیح، که رسول عهد است، آماده می‌سازند تا ناگهان به هیکل خود بیاید، نمونه‌وار بیانگر کاری هستند که در زمان داوری تحقیقی انجام می‌پذیرد و در داوری اجرایی به پایان می‌رسد.

«در آخرین روزهای تاریخ این زمین، عهد خدا با قوم فرمان‌نگه‌دار او باید تجدید شود. «و در آن روز، برای ایشان با حیوانات صحرا و با پرندگان آسمان و با خزندگان زمین عهدی خواهم بست؛ و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست، و ایشان را در امنیت خواهم خوابانید. و تو را تا ابد به خود نامزد خواهم ساخت؛ آری، تو را در عدالت و انصاف و محبت و رحمت‌ها به خود نامزد خواهم ساخت. و تو را در وفاداری به خود نامزد خواهم ساخت؛ و خداوند را خواهی شناخت.»

«و در آن روز واقع خواهد شد که من اجابت خواهم کرد، خداوند می‌گوید؛ آسمان‌ها را اجابت خواهم کرد، و آنها زمین را اجابت خواهند کرد؛ و زمین غله و شراب و روغن را اجابت خواهد کرد؛ و آنها یزرعیل را اجابت خواهند کرد. و او را برای خود در زمین خواهم کاشت؛ و بر آن که رحمت نیافته بود رحمت خواهم نمود؛ و به آنان که قوم من نبودند خواهم گفت: تو قوم من هستی؛ و ایشان خواهند گفت: تو خدای من هستی.» هوشع ۱۴:۲-۲۳

aquel día, ... el remanente de Israel, y los que hubieren escapado de la casa de 12' Jacob, ... se apoyarán con verdad en Jehová, el Santo de Israel.' Isaías 10:20. De 'toda nación, y tribu, y lengua, y pueblo' habrá quienes respondan gozosos al mensaje: 'Temed a Dios, y dadle gloria; porque la hora de su juicio ha llegado.' Se apartarán de todo ídolo que los ate a esta tierra, y 'adorarán a aquel que hizo el cielo y la tierra, el mar y las fuentes de las aguas.' Se libentarán de todo enredo, y estarán delante del mundo como monumentos de la misericordia de Dios. Obedientes a todo requerimiento divino, serán reconocidos por ángeles y por hombres como los que 'guardan los mandamientos de Dios, y la fe de Jesús.' Apocalipsis 14:6-7, 12'

«اینک ایامی می‌آید، می‌گوید خداوند، که شخم‌زن به دروگر خواهد رسید، و انگور فشار به آن که بذر می‌افشاند؛ و کوه‌ها شراب شیرین خواهند چکانید، و همه تپه‌ها ذوب خواهند شد. و اسیری

قوم خود، اسرائیل، را باز خواہم گردانید [معکوس خواہم کرد]، و ایشان شہرہای ویران را بنا خواہند نمود و در آنہا ساکن خواہند شد؛ و تاکستان ہا غرس خواہند کرد و شراب آنہا را خواہند نوشید؛ باغ ہا نیز خواہند ساخت و میوہ آنہا را خواہند خورد۔ و ایشان را بر زمینشان خواہم نشانند، و دیگر ہرگز از زمینی کہ بہ ایشان دادہام کندہ نخواہند شد، می گوید یہوہ، خدای تو۔ عاموس ۱۳:۹-۱۵۔ "Review and Herald, February 26, 1914."

ملاکی باب سوم مسیح کے زمانہ میں اور ملرائیوں کے زمانہ میں پورا ہوا، اور یہ دونوں تواریخ آخری ایام میں اس کی تکمیل کی نشان دہی کرتی ہیں۔ سسٹر وانٹ ملاکی باب سوم کی تکمیل کو مسیح کے پیکل کو پاک کرنے کے کام کے ساتھ مربوط کرتی ہیں۔

در پاک ساختن ہیکل از خریداران و فروشندگان جہان، عیسی رسالت خویش را برای پاک ساختن دل از آلودگی گناہ اعلام کرد—از امیال زمینی، ہوسہای خودخواہانہ، و عادات شریرانہای کہ جان را فاسد می سازند۔ «ملاکی ۱:۳-۳» نقل شدہ است۔ آرزوی اعصار، ۱۶۱۔

تطہیر ہیکل کے ذریعہ مسیح نے توبہ کرنے والے گنہگار کے دل کی تطہیر کے اپنے کام کی نمائندگی کی۔ انسانوں کے درمیان اپنی خدمت کے دوران اُس نے دو مرتبہ زمینی ہیکل کو پاک کیا۔

«نبی کہتا ہے، "میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اس نے بڑی زور دار آواز سے پکار کر کہا، بابل عظیم گر پڑا، گر پڑا، اور شیاطین کا مسکن بن گیا" (2) (2:18) یہ وہی پیغام ہے جو دوسرے فرشتہ نے دیا تھا۔ بابل گر پڑا ہے، "کیونکہ اس نے اپنی زناکاری کے غضب کی مے تمام قوموں کو پلائی" (14:8) (8:14) وہ مے کیا ہے؟—اس کی جھوٹی تعلیمات۔ اس نے چوتھے حکم کے سبت کے بجائے دنیا کو ایک جھوٹا سبت دیا ہے، اور اس جھوٹ کو دہرایا ہے جو شیطان نے سب سے پہلے عدن میں حوا سے کہا تھا—یعنی روح کی طبعی لافانیت۔ اسی نوع کی بہت سی گمراہ کن غلطیاں اس نے دور دور تک پھیلا دی ہیں، "آدمیوں کے احکام کو تعلیمات ٹھہرا کر سکھاتے ہیں" (9:15) (9:15)»

«وقتی عیسی خدمت عمومی خویش را آغاز کرد، معبد را از بی حرمتی کفرآمیز آن پاک ساخت۔ در میان واپسین اعمال خدمت او نیز دومین تطہیر معبد قرار داشت۔ بہ ہمین سان، در آخرین کار برای ہشدار دادن بہ جہان، دو دعوت متمایز بہ کلیساہا دادہ می شود۔ پیام فرشتہ دوم این است: «بابل عظیم سقوط کردہ است، سقوط کردہ است، زیرا کہ ہمہ امت ہا را از شراب خشم زنا خود نوشانیدہ است» (مکاشفہ 14:8)۔ و در فریاد بلند پیام فرشتہ سوم، آوازی از آسمان شنیدہ می شود کہ می گوید: «ای قوم من، از او بیرون آبیید، مبادا در گناہانش شریک شوید، و مبادا از بلاہایش نصیبی ببرید۔ زیرا گناہانش تا بہ آسمان رسیدہ، و خدا بی عدالتی ہای او را بہ یاد آوردہ است» (مکاشفہ 18:4، 5)۔ «Selected Messages, book 2, 118»

در تحقق باب سوم ملاکی، یحیی تعمیددہندہ آن رسولی بود کہ برای عیسی، بہ عنوان رسول عہد، راہ را مہیا ساخت تا ناگہان بہ ہیکل خود بیاید و آن را دو بار تطہیر کند۔ او در خدمتِ سہ سال و نیمہ خود، ہیکل را در آغاز و پایان خدمتش تطہیر کرد و بدین سان آشکار ساخت کہ کار تطہیر، آغازی دارد کہ نمایانگر پایان است۔ عیسی ہموارہ پایان را با آغاز بہ تصویر می کشد، و در ہمابہنگی با کار او بہ عنوان آلفا و امگا، آن سہ سال و نیم با تطہیر ہیکل آغاز شد و با تطہیر ہیکل پایان یافت۔

در پایان سہ سال و نیم، او آن خون را ریخت کہ عہد را تثبیت کرد؛ همان عہدی کہ پیشگوئی باب نہم دانیال را تحقق بخشید، مبنی بر اینکہ او با بسیاری برای یک ہفتہ عہد را استوار خواہد ساخت، و در میانہ آن منقطع خواہد شد۔

اور باسٹھ ہفتوں کے بعد مسیحا کاٹ ڈالا جائے گا، لیکن اپنے لیے نہیں؛ اور آنے والے رئیس کے لوگ شہر اور مقدس کو تباہ کر دیں گے؛ اور اُس کا انجام سیلاب کے ساتھ ہوگا، اور جنگ کے آخر تک ویرانیاں

مقرر کی گئی ہیں۔ اور وہ ایک ہفتہ کے لیے بہتوں کے ساتھ عہد کو مضبوط کرے گا؛ اور ہفتہ کے وسط میں وہ قربانی اور نذر کو موقوف کر دے گا، اور مکروہات کے پھیلاؤ کے سبب وہ اُسے ویران کر دے گا، یہاں تک کہ تکمیل ہو جائے، اور جو ٹھہرایا گیا ہے وہ اُس ویران کرنے والے پر انڈیلا جائے گا۔ دانی ایل 9:26، 27۔

در مقاله بعدی این مطالعه را ادامه خواهیم داد.

«می‌توان صفحه پس از صفحه دربارهٔ این امور نوشت. کنفرانس‌های کامل در حال خمیرمایه گرفتن از همان اصول منحرف هستند. "زیرا مردان ثروتمند آن از ظلم آکنده‌اند، و ساکنانش دروغ گفته‌اند، و زبان ایشان در دهانشان فریبکار است." خداوند عمل خواهد کرد تا کلیسای خود را پاک سازد. به راستی به شما می‌گویم، خداوند در شرف آن است که در مؤسساتی که به نام او خوانده می‌شوند، واژگون کند و زیر و زبر سازد.»

«این فرایند تصفیہ دقیقاً چه زود آغاز خواهد شد، نمی‌توانم بگویم، اما تأخیر آن طولانی نخواهد بود. او که بادبیزن خویش را در دست دارد، هیکل خود را از آلودگی اخلاقی‌اش پاک خواهد ساخت. او خرمناغ خود را به تمامی پاک خواهد نمود. خدا با همه آنان که کمترین بی‌انصافی را روا می‌دارند، دعوی دارد؛ زیرا ایشان بدین‌سان اقتدار خدا را رد می‌کنند و بهره خویش را در کفاره، یعنی آن فدیہ‌ای که مسیح برای هر پسر و دختر آدم بر عهده گرفته است، به خطر می‌افکنند. آیا در پیش گرفتن راهی که منفور خداست سودی خواهد داشت؟ آیا سودی خواهد داشت که بر مجمرهای خود آتش بیگانه بگذارید تا آن را در حضور خدا تقدیم کنید، و بگویید تفاوتی نمی‌کند؟»

«این مطابق نظم خدا نبوده است که این همه امور در بتل‌کریک متمرکز شود. وضعیتی که اکنون وجود دارد همان چیزی است که پیش‌تر به عنوان هشدار به من نشان داده شد. از این تصویری که پیش روست، دل من سخت به درد آمده است. خداوند هشدارها داد تا از این حالت تباه‌کننده جلوگیری شود، اما به آن‌ها اعتنا نشده است. "شما نمک زمین هستید؛ لیکن اگر نمک مزه خود را از دست بدهد، با چه چیز شور خواهد شد؟ از آن پس دیگر به هیچ کار نمی‌آید، جز آنکه بیرون افکنده شود و پایمال مردم گردد."»

«از برادران خود استدعا دارم که بیدار شوند. مگر آنکه به زودی تغییری پدید آید، ناگزیرم حقایق را به مردم اعلام کنم؛ زیرا این وضع باید دگرگون شود؛ مردان ناتبدیل‌یافته دیگر نباید در چنین کار مهم و مقدسی مدیران و متصدیان باشند. با داود ناچاریم بگوییم: "ای خداوند، وقت آن است که عمل نمایی، زیرا شریعت تو را باطل ساخته‌اند."» Special Testimonies, 30, 31.